

پیرامون تطبیق امور پزشکی با شریعت مقدّسه اسلام جایگاهی منیع و بزرگ و مسئولیت بزرگتر

نویسنده: آیت... جعفر سبحانی

حوزه علمیه قم

● محورهای بحث:

- ۱- جایگاه پزشک در اسلام
- ۲- ارتباط تنگاتنگ پزشکی با فقه
- ۳- ضمانت طبیب در موارد خاص

۴- ده پیشنهاد برای هموار کردن مسأله انطباق

جایگاه منیع و بزرگ پزشک بر کسی پوشیده نیست، و طبیب در همه جامعه‌ها از احترام خاصی برخوردار است و این نگرش تا به امروز محفوظ می‌باشد. کرامت پزشک به خاطر دانشی است که با رنج فراوان به دست آورده و نتایج رنج چند ساله را، در اختیار بیماران قرار می‌دهد، و سلامت و تندرستی آنها را باز می‌گرداند.

● جایگاه پزشک در اسلام

از دیدگاه اسلام، پزشک یک تاجر و بازرگان نیست که با علم خود تجارت کند، و از طریق معاینه و نسخه‌نویسی، حتی احياناً در اختیار نهادن دارو، به داد و ستد پردازد. بلکه او به خاطر دانش مفید خود، مسئول بهداشت جامعه بوده و مانند دو رکن دیگر جامعه، نوعی ولایت و سرپرستی دارد. یعنی او بسان فقیه و یا حاکم و فرمانروا است که هر یک مسئولیت خاصی بر عهده دارد، و در برابر این مقام که مسئولیت‌زا و همراه با رنج و زحمت است، باید خود را با پاداش‌های الهی دلگرم سازد تا بر سعی و تلاش خود بیفزاید آنچه بیان شد ضمن حدیثی از امام صادق(ع) وارد شده است: لا یستغنی اهل کل بلد عن ثلاثة: یفزع الیه فی امر دنیاهم و

آخرتهم فان عدموا ذلک کانوا همجا: فقیه عالم ورع، و امیر خیر مطاع و طبیب بصیر ثقه. (۱) (حلی حرانی، تحف العقول/ ۵۱۴، بحار الانوار ج ۷۵/ ۲۳ حدیث ۵۹)

هیچ اجتماعی از سه چیز بی‌نیاز نیست، تا در کارهای مربوط به دنیا و دین به آنان پناه ببرد. و جامعه فاقد این سه چیز، جامعه بی‌تدبیر و بی‌برنامه خواهد بود این سه چیز عبارتند از:

- ۱- فقیه دانشمند و پرهیزگار
- ۲- حاکم نیکوکار که مردم از او اطاعت کنند
- ۳- پزشک دانا و مورد اعتماد

طبیب در این روایت در کنار دو سرپرست جامعه آمده و قرین آنها شمرده شده است: یکی فقیه پارسا که دانش دینی خود را به طور رایگان در اختیار مردم می‌گذارد و دیگری حاکمی که با انگیزه‌های الهی، در خدمت مردم می‌باشد، طبعاً در این صورت پزشک نیز باید سرنوشت مشابهی داشته باشد، اگر خدمت فقیه و حاکم الهی دور از انگیزه‌های مادی است، خدمت پزشک باید مشابه آنها باشد.

یکی از شیوه‌های تکریم پزشکان در لسان پیشوایان این است که پیامبران و رجال بیت وحی را به اطباء تشبیه می‌کنند و آنان خود را به نوعی طبیب می‌خوانند. امیرمؤمنان موقعیت پیامبر در میان امت را چنین بیان می‌کند:

طبیب دوآر بطبه، قد أحکم مراهمه، وأحمی مواسمه یضع ذلک حیث الحاجة الیه، من قلوب عمی و آذان صم و السنه بکم متبّع بدوائه مواضع الغفلة و مواطن الحیره. (۲)

: «او طبیبی است سیار که با طب خود پیوسته گردان است، مرهم‌های خود را به خوبی آماده کرده و برای داغ کردن

اسلامی با رشته پزشکی آنچنان ارتباط استوار دارند که هر یک از فقیه و طبیب با بهره‌گیری از دانش دیگری، مشکلات بیماران را رفع می‌کنند، و بیمار در یک موضوع باید هم به فقیه و هم به پزشک مراجعه نماید.

از آغاز ازدواج تا چه رسد به دوران بارداری، و تولد و رشد، فقیه و طبیب بسان دو همکار، به عنوان دو مرجع مورد نیاز، به نیازهای مردم رسیدگی می‌کنند، در اوان ازدواج مسأله گروه خون مطرح است، در حالی که از نظر دینی، اخلاق زوج و پایه تعهد او به مسائل اعتقادی وی و وظایف دینی مورد نظر می‌باشد، و زوجین و یا اولیاء آنها، به هر دو طبیب باید مراجعه کنند و در این مورد کسب تکلیف نمایند.

در دوران انعقاد نطفه و دوران بارداری، تعالیم دینی با توصیه‌های پزشکان گام به گام پیش می‌روند، و در روزهای اوگ تولد، هم فقیه با نوزاد سر و کار دارد و هم پزشک تا برسد به دوران بلوغ و بالاتر.

گاهی تکلیف شرعی، از نظر شناخت موضوع متوقف به روشن شدن نظر پزشک است. و احياناً به عکس، یعنی تجویز برخی از معالجه‌ها بدون روشن شدن نظر شرع امکان‌پذیر نیست.

روشن تر بگوئیم پزشکی ارتباط تنگاتنگ با احکام دینی دارد، انسان در حالات خاصی که به پزشک مراجعه می‌کند، در همان شرایط، مطابق تشخیص پزشک از نظر شرع تکالیفی دارد یعنی فقیه، موضوع را از نظر پزشک می‌گیرد و مطابق آن نظر می‌دهد نمونه این حالات عبارتند از: ولادت، خونهای: نفاس، قاعدگی، استحاضه، حالات استثنائی انسان چه از نظر جسمی مانند عدم انقباض در دفع ادرار و فضولات شکم، و چه از نظر روحی، مانند عروض فراموشی و یا وسوسه.

گذشته از اینها قسمتی از احکام مربوط به وضوء و غسل، روزه و حج و غیره با تشخیص پزشک کاملاً در ارتباط است. مسائل مربوط به جیره و اعمال اضطراری بدون مراجعه به هر دو امکان‌پذیر نیست.

اگر پزشک بگوید ایستادن حتی برای نماز و خم شدن برای رکوع و سجود مایه فزونی بیماری و یا طولانی شدن، زمان معالجه می‌شود، فقیه فتوا می‌دهد که کیفیت نماز را عوض

محل زخمها، ابزار خود را داغ و سوزان ساخته است، آنجا که نیاز است از آنها استفاده کند، یعنی در مورد دل‌های ناپینا، گوشهای کر و زبانهای گنگ^۱ به تعقیب جاهلان غافل و متحیران سرگردان می‌پردازد.

امیر مومنان در این سخن، پیامبر اسلام را طبیب جامعه معرفی می‌کند که هر دو، شغل همگون دارند، اگر پزشکان از دو ابزار بهره می‌گیرند گاهی روی زخم مرهم نهاده، و گاهی ریشه بیماری را با داغ کردن می‌سوزانند و پیامبران نیز گاهی از مرهم مانند: نصیحت و بند، و تعلیم و تربیت بهره گرفته، گاهی دیگر از مواسمی مانند تعزیرات و حدود استفاده می‌کنند.

نکته زیبا در این خطبه این است که می‌گوید: پیامبر اسلام- طبیب وار- با داروهای معنوی خود، به تعقیب جاهلان عاقل، و یا متحیران سرگردان می‌پردازد یعنی بسان پزشکان که به جای مراجعه بیمار به تعقیب بیمار می‌پردازند و نمونه بارز آن در جامعه ما، اعزام نیرو بهداشت برای آموزش مردم، و تزریق انواع واکسن‌ها است. ولی دایره خدمت و تعقیب بیماران باید بیش از این گسترش یابد.

در روایت دیگر امام خود را «طبیب الاطباء» معرفی می‌کند و می‌فرماید: «فانّی طبیب الاطباء»^(۳) (مجلسی بحار الانوار، ج ۵۹، باب ۷۱ حدیث ۵ ص ۱۹۹)

● ارتباط فقه با پزشکی

به خاطر ارتباط و پیوند تنگاتنگی که دانش دینی، با علم پزشکی دارد، در گذشته این دو دانش، در یک مدرسه تدریس می‌شدند، طبیبان روحی، طبیبان جسمی نیز بودند، و در سده‌های نخست اسلامی این دو دانش، استاد واحد داشتند که هر دو دانش را تدریس می‌کرد، و دانشجویان نیز هر دو دانش را یک جا می‌آموختند، حتی در میان یاران پیشوایان معصوم که به نقل حدیث می‌پرداختند، به طبابت نیز اشتغال داشتند تا چه رسد به زمان شیخ الرئیس و بهمنیار که خود از پیشتازان علم پزشکی و حکیمان الهی زمان خود بودند ولی بر اثر گسترش دایره دانش‌ها، این دو علم از یکدیگر جدا شدند، و هر رشته‌ای، برای خود استاد و شاگرد خاصی پیدا کرد. ولی فقه

از این جهت امیر مؤمنان به حاکمان وقت دستور می دهد که دو گروه را از کار برکنار کنند، روحانی بی تقوا، پزشک ناآگاه و آنان روانه زندان سازند آنجا که می فرماید:

«يَجِبُ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَحْبِسَ الْفَسَّاقَ مِنَ الْعُلَمَاءِ وَالْجَهَّالَ مِنَ الْأَطْبَاءِ» (وسائل الشیعه ج ۱۸/ ۲۳۱)

● ده پیشنهاد برای هموار کردن مسأله انطباق

پزشک (با این عظمت و مسئولیت در شریعت اسلام)، باید یک انسان الهی باشد، و روح و روان او با ایمان روشن گردد، و ترس از خدا کارهای او را کنترل کند، برای تحقق بخشیدن به این آرمان اسلامی باید امور یاد شده در زیر رعایت گردد، و همه این امور در یک کلمه خلاصه می شود و آن اینکه مراکز آموزشی و محیط کار باید از زمینه های گناه دور باشند این پیشنهادها به معنی اتهام ورزی یا محکوم کردن برخی از محیط ها نیست بلکه هدف این است که هر چه زمینه های خلاف نابود شود، پاکی افراد بیشتر بیمه می گردد.

۱- در گزینش پزشک مسأله اصالت و ایمان و تربیت خانوادگی نادیده گرفته نشود، در غیر این صورت نابسامانی ادامه خواهد یافت.

۲- جداسازی دانشجویان در دوران تحصیل نقش مهمی در ایجاد زمینه های پزشکی دارد. و اگر این جداسازی به صورت ریشه ای امکان پذیر نیست می توان از مقطع تحصیلی بهره گرفت گویا در وضعیت فعلی دانشکده های پزشکی و رشته های وابسته در دو مقطع دانشجو می پذیرند، مهرماه و بهمن ماه و می توان یکی را برای دانشجویان دختر و دیگری را به دانشجویان پسر اختصاص داد.

۳- در مرحله کارآموزی و کارورزی، دو گروه با هم تماس نزدیک دارند باید در جداسازی این مرحله در حدامکان کوشش کرد.

۴- جداسازی بخشهای بیمارستانها، به گونه ای که بخش زنان از مردان کاملاً مجزا باشد.

۵- مسأله پرستار نیز مهم است، باید پرستار بیماران مرد، مرد و پرستار بیماران زن، زن باشد و باید مردان را به شغل

کند، نماز با همان کیفیت نه تنها حرام است، بلکه باطل نیز می باشد.

جنایتی رخ می دهد، روشن نیست عمداً رخ داده یا از روی خطا بوده است، چه بسا به پزشک مراجعه می شود، در این جا، نظر پزشک نقش مهمی در حکم شرعی دارد.

فقیه در تبیین احکام دیات از خراش بر پوست گرفته تا شکستگی استخوان و جمجمه، نیاز به تشخیص پزشک دارد، تا حد جنایت از طرف او تعیین نگردد، فقیه توان داورى ندارد مگر اینکه خود، کارشناس این موضوع باشد. و نظریه او مانند نظریه دیگر اهل خبره حجّت است (و قول اهل الخبرة فی الارش و قول الطیب حجة له (جواهر الکلام ج ۷/ ۳۴۵) خلاصه دین مردم و فقه اسلامی آنچنان با پزشکی در هم آمیخته که پزشک به عنوان محقق موضوع در کنار فقیه، فعال است.

● ضمانت پزشک

گاهی خود اطباء در انجام وظایف پزشکی دچار خطا و اشتباه می شوند، تکلیف ضمانت طیب مربوط به فقه اسلامی است از این جهت در فقه اسلامی بابت دربار ضمانت طیب وجود دارد و مسأله برای خود صور گوناگون می طلبد.

ضمانت طیبی هر چند جزئی از ارتباط پزشکی با فقه اسلامی است ولی به خاطر اهمیت موضوع آن را مستقلاً مطرح می کنیم.

هر گاه از طریق معالجه خسارتی بر بیمار وارد گردد، و یا منجر به قطع عضو یا فوت شود او ضامن است مگر اینکه پیش از معالجه، از ولی بیمار یا خود او براثت بگیرد (جواهر الکلام ج ۴۲/ ۴۲۸) فقیه بزرگوار شیعه در قرن سیزدهم مرحوم شیخ محمد حسن نجفی مؤلف جواهر الکلام می گوید: الاصحاح متفقون علی ان الطیب یضمن ما یتلفه بعلاجه. (جواهر الکلام ج ۴۳/ ۴۶) فقها اتفاق نظر دارند که هر نوع خسارتی که از طریق طیبی بر بیمار وارد شود، او ضامن است.

و روی اعتمادی که به طیب است هر نوع تلف و مرگ و میر که رخ دهد آن را، عمل غیر عمدی تلقی می کنند، مگر، قرائن بر خلاف آن گواهی دهد. (جواهر الکلام ج ۴۳/ ۳) و این علتی جز اعتماد به طیب ندارد.

۹- پرسنل بیمارستانها در مورد مسائل دینی مربوط به بیمار اطلاع کافی داشته و به بیماران تفهیم کنند، که بیماری مایه سقوط تکلیف نیست، و تا آنجا که امکان دارد باید تکالیف الهی را انجام داد.

۱۰- سرانجام باید در بخشها وسائل انجام فرائض از قبله نما و خاک تمیز تیمم و غیره فراهم گردد. شاید با توجه به این سفارشها، راه برای هموار ساختن مسأله انطباق فراهم شود.

ولی مسأله مهم این است که وزیر وقت بسان وزیر امروز، به مسأله انطباق امور پزشکی با شریعت اسلامی علاقمند باشد و در غیر این صورت تمام زحمات به تدریج هدر رفته و وضع پیشین باز می گردد.

مقدس پرستاری تشویق کرد و این اندیشه که پرستاری شغل زن است تعدیل گردد و متأسفانه بر اثر این فکر، گویا هشتاد درصد از پرستاران را زنان و بیست درصد آنان را مردان تشکیل می دهند.

۶- مسأله به اصطلاح محرم بودن پزشک به گونه ای توضیح داده شود، و حد و حدود آن روشن گردد، و معلوم شود که محرم بودن یک مسأله اضطراری است، و حکم ضرورت واضح است.

۷- باید به مسأله سقط جنین اهمیت داده و پزشکان معتقد شوند، که نطفه ای که در رحم زن است یک انسان بالقوه بوده و کشتن آن جز جنایت چیزی نیست.

۸- نمازخانه ها باید در بهترین نقطه باشد و دانشجویان و اساتید با ورود به آن مکان، یکنوع احساس فرح کنند.

بمناسبت برگزاری اولین کنگره سراسری انطباق امور پزشکی با موازین شرع مقدس
تهران - آبانماه ۷۴

با رعایت موازین اسلامی، تقدس محیط بیمارستانی را حفظ کنیم.

دبیرخانه شورای عالی انطباق امور پزشکی با موازین شرع مقدس
معاونت امور دانشجویی، فرهنگی، حقوقی و مجلس
وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی

